

بمناسبت صدمین سالگرد استقلال کشور:

تحقق عدالت، مهمترین وظیفه یک زمامدار!

در کشوری که قرنها برآن ستم رفته باشد و از عدالت اجتماعی حرفی در میان نبوده باشد و مناسبات عشیره وی و روابط قومی و خویشاوندی، ستون فقرات نظام شمرده شود، و مسئولان امور خود را مکلف به رفع استغاثه ستمدیدگان ندانسته باشند، تطبیق عدالت در چنین جامعه ای، یکی از مشکل ترین و سخت ترین کارهای بود که رژیم ملی و نوپای امانی میخواست دست به تحقق آن بزند.

پوپلزائی در کتاب (سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان) گزارش میدهد که: در شام دهم حوت ۱۲۹۷ ش، به مناسبت جلوس رسمی شاه امان الله محفلی در ارگ شاهی کابل برگزار شد که در آن تمام رجال ملکی و نظامی و دوستان و همکارانیکه او را در برابر کاکایش حمایت و همراهی کرده بودند، اشتراک داشتند. در ختم محفل، شاه نطقی کرد و به حاضرین

در دربار، مشی حکومت خود را که تحقق عدالت باشد، از مهمترین وظایف یک زمامدار شمرد و توضیح کرد که خدمت به مردم بجز صداقت در اجرای وظایف ناممکن است و همه باید وظایف خود را با کمال صداقت و راستی انجام دهند، زیرا با همه شناخت و دوستی های که با هر یکی از حضار دارد، وقتی مساله عدالت در میان باشد، رعایت حال هیچ کسی را نخواهد کرد، اینک سخنان شاه امان الله:

« عزیزانم عساکر و اهل دربار! مهربان من در دوره های طفلی، شباب و جوانی ام تا امروز بسیار بودند و حال هم بحمد الله تعالی بسیار اند. زیرا وقتی که من بصداقت خدمت کنم، هر فرد افغانستان دوست صدیق من است. و فدائیان من که من فدائی آنها هستم، در این جمعیت اعتماد بیشتر بصورت متقابل موجود است چرا که اتحاد و اتفاق کامل وجود دارد و مرا معتمد اول خود می شناسند.

و کسانی از شما که از سنین طفولیت با من رفاقت و خصوصیت دارند، میدانید در نزد من مقام و منزلت ایشان از چه لحاظ بیشتر است. باین معنی که آنها از افکار و خیالات این خدمتگار افغانستان پوره مطلع اند و آرزوهای مرا بیشتر و بیشتر از دیگران در پیش می برند. و این قرابت و صمیمیت مراد از ایفاء خدمت با صداقت به مملکت معظمه اسلامیة افغانیه است که میخواهم ازین خصوصیت ها و قرابت ها برای خدمات وطن مقدس مان افغانستان استفاده کنم. راه راستین همان است که خداوند (ج) فرموده است و برای یک زمامدار بهتر از عدالت کاری نیست.

و بعد ازین ساعت اگر در مراتب رسیمه شما تفاوت های ظاهری بملاحظه برسد، مایوس نباشید. زیرا که بزرگترین مراتب و مناصب بسر رساندن درجات اعتماد است. و شما ملت که زمام

مهام مملکت اسلامیة افغانیه را بکف اختیار این خدمتگار سپردید، چون مسئول حقوق خلق الله شناخته شدم فکر و نظر من از قبول این بارگران سلطنت وسعت دیگر پیدا کرد که در آن صورت که اگر کمترین ضعف حرکتی از جانب یکی از همکاران من بظهور برسد لحاظ و مراعات نخواهم توانست، چرا که قانون شریعت و سلطنت نمی گذارد. و لهذا امور نظامی و ملکی را بهر وسیله نمی توانستم انجام بدهم.

و چون من یک سرباز فدا کارم، این اعتماد من بهر فرد شما بهترین و عالیترین درجات مناصب نظامی و ملکی است. و از حضرت باری تعالی جلت عظمته التجاء و تمنا دارم که بعمر و صحت هر یک شما برادران صاحب قلم و شمشیر که دست اتحاد خدمت از ساعت اول جلوس سلطنتم داده اید بیفزاید تا مطابق برضاء پاک پروردگار عالمیان جل علی شانہ العزیز و بروفق آرزوی خالصانه من که خدمتگار فدایی دین و وطن شما بودم و هستم، از هر فرد شما این است که برای انجام خدمات با صداقت این وطن مقدس همیشه کمر همت بسته موجبات سرافرازی مرا که بشما اعتماد دارم حاصل نمایند. و کار های عاجلی را که در مرور این هفت شب و روز با یک جدیت فوق العاده انجام داده اید اعتماد و اطمینان مرا و ملت افغانستان را نسبت بخود زیاد تر ساختید. و کسی که در این مرحله حساس بامن دست عهد و همراهی داده است، باور دارم که از ذریت این اشخاص فداکار علامت وفا داری و فداکاری برای ملت و مملکت فحیمه نجیبه اسلامیة افغانیه ابراز خواهد گشت. و لذا از بدایت حال این سلطنت بشما برادران همدست و همفکر خود مکرر خطاب می کنم که از این ساعات اولین تا روزمرگ بشما همکاران فدایی دولت و وطن اعتماد هر نوع صداقت دارم. و شما عین همین درجه صدق و اخلاص مرا بتمامی افراد پیر و برنای این مملکت اسلامیة افغانیه برسانید و دست دعا بیارگاه حضرت آفریدگار دانای توانا بلند دارید تا همه ما و شما در برابر خدمات مرجوعه محوله کامیاب و سرافراز و نیکنام باشیم". (سلطنت امان الله شاه، و حصول استقلال مجدد افغانستان، بخش اول، ص ۹۷)

قطع معاشات نسبی :

شاه امان الله در راستای تحقق عدالت اجتماعی، نخستین گام را با قطع معاشات نسبی خانواده های محمدزائی و همچنان قطع طعام از مطبخ شاهانه به خانه های سرداران بشمول کاکایش سردار محمد عمرخان برداشت.

اقدام به چنین امری بدون تردید، نارضایتی و شکایت بزرگان قومی و رؤسای قبایل را در پی داشت. مع هذا امان الله خان خود را مکلف میدید تا عدالت را فدای مناسبات قومی و قبیلوی نکند، و در برابر مفاد عده بی محدود، خیر عمومی را مد نظر بگیرد و سعی نماید تا به مردم بفهماند که همگی از نظر امان الله از حقوق و امتیازات مساوی برخوردار اند. اما فهماندن چنین امری در یک جامعه بیسواد و نا آگاه از حقوق و وجایب یک دیگر کار مشکلی بود، بخصوص برای رژیم امانی که در نظر داشت بلا فاصله موضوع استقلال کشور را با ابر قدرت انگلیس مطرح کند و در صورت عدم حصول مرام از راه سیاسی، به جنگ توسل جوید، و آنگاه به حمایت نیروهای قومی سخت نیاز دیده میشد، و نمی باید سران قومی و رؤسای قبایل را از خود ناراض کرد، با وجود این همه خطرات، امان الله خان نخستین اقدامات انقلابی عدالت خواهانه را از خانواده محمدزائی که سلطنت به آن خانواده منسوب بود، آغاز نمود. و با این کار خود زبان ده ها هزار مستمری بگیرمفت خوار و بیکاره را به بدگویی علیه خود باز کرد.

مرحوم پوپلزای مینویسد: «امیر عبدالرحمن خان، برای افراد خاندان محمدزائی که سنین عمرشان از دوازده بیشتر می بود، اعم از زن و مرد در سال سه صد روپیه پخته کابلی معاش نسبی

مقرر نمود، ونیز کسانی که در سنه ۱۲۹۵ ق و ۱۲۹۶ ق مصادر خدماتی شده و یا خسارات ملک و مال دیده بودند، از یکنیم هزار روپیه تا سه صد روپیه پخته کابلی در سال موجب مقرر داشتند. و این اصول تا ماه دلو سال ۱۲۹۷ ش معمول بود. در برج حوت سال ۱۲۰۷ ش [مارچ ۱۹۱۹ م] امان الله خان فرمان داد که از تاریخ اول ماه حمل سال ۱۲۹۸ ش معاشات نسبی بصورت عموم قطع گردد. و این قانون جدید از تاریخ شنبه اول حمل ۱۲۹۸ ش [۱۹ جمادی الآخر ۱۳۳۷ ق - ۲۲ مارچ ۱۹۱۹ م] نافذ گردید... در این وقت داد و فریاد از بعضی خاندانها بلند شد و عده یی از سرداران عارض شدند که این حقوق برای ما بطور اعزازی منظور نگشته و ما این حق را در بدل خدماتی که کرده ایم مستحق گشته ایم.

اعلیحضرت امان الله شاه فرمود: اسناد تصدیق خدمات حاضر شود. چون اسناد اکثر شخصیت ها و خانواده ها حاضر نگردید، حکم اول انفاذ یافت. و برای عده یی از سرداران که فی الواقع در مراحل مختلف خودشان و پدران شان مصادر خدمات ملکی و نظامی بنفع مملکت افغانستان شده و اسناد دست داشت شان ثابت می کرد، حقوق ملی آنها را از طریق اراضی مکفاتی بعوض موجب مستمری شان منظور و باعطای زمین زراعتی و باغ معاوضه نمود. میرمحمدعلی خان را وکیل فروش اراضی مقرر فرمود که از طرف پادشاه باشخاص قبالة شرعی بدهد، که البته عده محدودی باین امتیاز نائل گردیدند و از اکثر سلب گردید.» (پوپلزانی، همان اثر، ص ۱۳۰)

در رابطه به توزیع طعام از مطبخ ارگ، پوپلزانی می نویسد: «از زمان امیر عبدالرحمن خان برای یک تعداد زیاد خانوار و ابستگان بعض سرخیلان ملازمین مقرب که از سمت های دور وارد شده و از مطبخ ارگ طعام طبخ شده جیره می بردند، و بدون آنکه جیره خواران کدام خدمتی به ملت کنند و بمحض خصوصیت خدمت شخصی و شناسایی دوره های سابق یعنی زمان مسافرت امیر عبدالرحمن خان ارتباط پیدا کرده از سالیانی بستنی های طعام از طبخ خانه شاهی اخذ و تناول می نمودند، اعلیحضرت امان الله شاه در بدو جلوس خود قطع فرمود و از روی عدالت اسلامی فرمود: چون هزاران نفر باطراف و اکناف مملکت بفق و فاقه در دشت ها و دره ها بسر می برند، بهتر است که ما این مصارف نان و دسترخوان را برای مصارف مکاتب و شفاخانه ها تخصیص بدهیم. چون این حکم نافذ شد خاندان های مفت خور اقوام سریتی ها سخت آزرده و مایوس شدند و حرف هایی می گفتند. و این نتیجه مفت خوری و آموخته خوری بود.» (همان اثر، ص ۱۳۱)

این اقدام شاه، این پیام را میرسانید که شاه طرفدار تحقق عدالت است و بخاطر عدالت، لحاظ و پروای نارضایتی خانواده سلطنتی را هم ندارد، پس هیچکسی نباید از شاه توقع مراعات دوستی و قومی و خویشاوندی را داشته باشد.

امان الله خان، در مورد وظیفه زمامدار یک ملت عقیده داشت که:

"هیچ مشقتی جگرخراشتر از زمامداری یک ملت نیست. زیرا همین یک شخص باید که محنت جمیع مردم را متحمل شود تا چندین صد هزار نفوس، نفس راحت بکشند. و همین یک نفس باید شب و روز در قید اندیشه و غم گرفتار باشد. آسایش او آسایش ملت است. راحت او امنیت ملک و آبادی مملکت است. مسروریت او ترقی و شوکت دولت است." (پوپلزانی، همان اثر، ص ۳۱)

و بنابراین شاه امان الله برای آسایش و ترقی و تعالی مردم افغانستان شب و روز کار میکرد و هیچ شبی قبل از ۱۲ بجه شب از دفتر کار بخانه باز نمیگشت.

یاد آن شاه مترقی و عدالتخواه همواره گرامی باد!

پایان